



جایگاه تاریخی ایران در سنت‌های شرق‌شناسی ■ خاورشناسی روسی؛ ویژگی‌ها و سرشت تاریخی ■ نقدی بر اجتماعیون عامیون ■ آموزش دیروز و امروز ■ تاریخ ایراهستان ■ سازمان نظامی هخامنشیان ■ تاریخ ایلام ■ قبایله کارگزاری اصفهان ■ تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری ■ تاریخ‌نگاری عبدالرزاق سمرقندی



«کتاب ماه تاریخ و جغرافیا» نشریه‌ای است با هدف اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی و کمک به ارتقا هرچه بستر مبانی پژوهشگران و پندارندگان که به صورت ماهانه از سوی «خانه کتاب» منتشر می‌شود.

«کتاب ماه تاریخ و جغرافیا» بر اساس ردبندی دهدزی دویوبی، به مدد و بررسی کتاب‌های خود تاریخ و جغرافیا می‌پردازد. در هر شماره نقد و بررسی تعدادی از متون و ملیع تاریخ و جغرافیا معرفی و بررسی شنایهای این زمینه، بزرگ‌ترین تاریخ و جغرافیا پایه‌گذاری ایستادی و اخبار مربوط به این حوزه منکس می‌شود. در لوح فشرده ضمیمه این شریعة، پهلوست کامل کتاب‌های منتشرشده ماه گذشته، که با محض فرهنگ و ارشاد اسلامی اشتغال داشته و در نظام اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» وارد شده‌اند بر اساس ردمدی‌دهنهای دویوبی از همه غیرزنی که پارسیک ما بوده‌اند از نویسنده‌گان و متوجهان گرامی درخواست می‌کند به نکات زیر، در تطبیق مقالات، توجه فرمایند.

راهنمای نگارش مقالات کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

۱. محورهای مقالات

- نقد و بررسی: کتب تازه منتشر شده در حوزه تاریخ و جغرافیا
- مبانی ظریح موضوع هر شماره نشریه (اعلام اندده در داخل چند و به صورت سالانه)
- پیشنهاد تحقیق و ادبیات موضوع مرتبط با موضوع هر شماره نشریه
- معرفی و تحلیل نسخه خطی و سنت تاریخی با تأکیدهای در حوزه تاریخ و جغرافیا
- تحلیل و ارائه دیدگاه جدید از مبانی اصلی و دست اول تاریخ و جغرافیا

۲. نسبه‌ی نگارش

- مقالات در نشریه دیگر به چاپ رسیده و با همزمان برای نشریات دیگر ارسال شده باشد
- در ابتدای مقاله، چیزکده فارسی در قالب ۲۰۰ - ۲۵۰ کلمه آنده شود.
- واگان گلده مقاله در ۳ کلمه تکمیل شود.
- مقاله شامل عنوان، مقدمه، مادو و روشن‌های بحث، نتیجه‌گیری و مبانی باشد.

۳. نسبه‌ی تغیییر

- مقالات به صورت تایپ شده بر روی کاغذ A4 و با وزاره پرداز word و در دو نسخه ازینه شود. ارسال لوح فشرده مقالات الزامی است.
- در صفحه اول، عنوان کامل مقاله به فارسی و انگلیسی، نام و نام خاورانگی، زینه و سمت علمی و ادرس و شماره ثلنگ نویسنده با نویسنده کتاب شود.
- در مقالاتی که تدقیق کتاب هستد در ابتدای مقاله مشخصات کتاب‌شناختی این مورد بررسی به این ترتیب ذکر شود: عنوان اصلی و فرعی؛ نام و نام خاورانگی صاحب اثر؛ نام و نام خاورانگی (برای کتابخانه‌ی تحریره شده)؛ نام انتشار، متن، تاریخ نویسندگان، تعداد صفحات، شابک.
- چنین های نشانه‌ها تضاییر مرتبتاً کتاب، با مشخصات کامل و با فرمت JPEG (در صفحه word) قابل استفاده نیسته؛ ارسال شوند.
- مقاله غیربررسی نامها، واژه‌ها و اصطلاحات به صورت پی‌نوشت در انتهای مقاله اورده شود.
- رونوشت اصلی متن ترجمه شده، همراه با اطلاعات کامل کتاب شناختی متن اصلی ارسال شود.

۴. نسبه‌ی ارجاع

- ارجاعات داخل متن، درون پرداز و به ترتیب زیر خواهد بود نام نویسنده، سال انتشار اثر، شماره صفحه، مثال: (بیرنیا، ۱۳۸۱، ص ۶۰).
- اطلاعات کامل آثار در صفحه‌ای جهانگرد تئوپلی، و به ترتیب زیر نگارش شود.
- مقاله: نام خاورانگی نویسنده‌گان، نام نویسنده‌گان، سال انتشار، عنوان مقاله (با حروف ایرانی)، نام و نام خاورانگی مترجم (در صورتی که مقاله ترجمه شده باشد)، نام اختصاری مجله، سال انتشار، نام مجله، نویه مجله، شماره مجله، تعداد صفحات، مثال: یاسمی، رشدی، ۱۳۲۲: «تئوپلی: نوشته‌دانه»، مهر، س. ۲، ش. ۷، صص: ۷۵-۹.
- کتابی نام خاورانگی نویسنده‌گان، سال انتشار، عنوان کتاب (با حروف ایرانی)، شماره جلد محل انتشار، نام ناشر، مثال: (بامند، مهدی، ۱۳۳۷، تاریخ رحل ایران؛ چاپ اول، طبع اول، تهران، انتشارات زوار).
- ارجاع به یاکه اینترنت: نشانی + تاریخ دیجیتالی زدن.

۵. طول مطالب

- طول مطالب بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ واژه در واژه‌پرداز word باشد.
- آن‌زمان انتشار متابع انتخاب شده برای نقد و بررسی، داکتور دو سال گذشته و چاپ اول باشد.

برنامه‌ی مصوب شش ماه اول سال ۱۳۹۲ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

بهار:

- فروردين: تکاپوهای استعماری در خلیج فارس
- اردیبهشت: تاریخ شفاهی و رویکردهای میان رشته‌ای
- خرداد: آثاری و قفقاز و فرهنگ ایرانی- اسلامی
- تابستان:

 - تیر: سنت شناسی تاریخ نگاری دوره میانه ایران (مغول- تیموری)
 - مرداد: ایران و اسلام در سنت‌های شرق شناسی
 - شهریور: دادوست تاریخ و فلسفه

مسئول پخش اشتراک و توزیع: بهمن منجی

تلفن پخش اشتراک و توزیع: ۸۸۳۴۴۹۵

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین صبا و فلسطین،

شماره ۱۰۰، ۱۰، حسنوق پستی ۱۳۴۵۳۹۵

تلنن: ۶۶۴۹۶۷۷

Website: www.ketabmah.ir

E-mail:

Ketabemah.tarikh@gmail.com

Habiballah_esmaili@yahoo.com

* مبلغ مطالبات این نشریه به داکتور مأخذ ازد است.

* مطالبات صفر در مطالبات این نقد و بررسی نمایند.

* پذیرفته شده در مطالبات این نقد و بررسی و «خانه کتاب» نیست.

* مقالات ارسالی باید در نشریه‌ای داکتور جای نمایند و با همین برای

نشریات دیگر غرضدار نشود.

* سرمه در دویوبی و گزنه از این مطالبات ازد است.

* مطالعه که برای جای ناسناسب شخصی داده شود، عودت نخواهد شد.

* مطالعه که اصول نظریه نشریه در آنها رعایت نشده باشد، برای اصلاح

مودود خواهد شد.

مختصر

سرسخن

جایگاه تاریخی ایران در سنت‌های شرق‌شناسی / دکتر ناصر صدقی

۲

نشست

سنت‌های شرق‌شناسی در مطالعات اسلامی ایرانی / دکتر داریوش رحمانیان و دکتر ابراهیم توفیق

۱۰

نظر کار

ایران‌شناسی: تعامل و تفاوت رویکردها با اسلام‌شناسی و شرق‌شناسی / دکتر محسن الوبیری

خاورشناسی روسی: ویزگی‌ها و سرشت تاریخی / دکتر جواد مرشدلو

ایران‌شناسی و شرق‌شناسی: از پنجه‌های آینه / رضا دیربیز نژاد

۳۷

کنکاش

نقدی بر اجتماعیون عالمیون / مسعود عرفانیان

جدلی تالش شمالی از ایران / سید رضا حسینی

آموزش دیروز و امروز / زهراء حاتمی

تاریخ ایرانستان / مصطفی ابراهیمی

۵۳

۵۸

بازتاب

سازمان نظامی هخامنشیان / بیزان صفایی

قباله کارگزاری اصفهان / علی رستم‌نژاد نشلی

تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری / مرجان مهدوی مقدم

تاریخ اسلام / ابراهیم بوچانی

۶۲

۶۷

۷۱

۷۵

تاریخنگاران

تاریخ‌نگاری عبدالرازاق سمرقندی / مریم ارجح

۸۲

پرتوهای تلاش

بازرگان مجموعه دار / زهراء رحیمی

بوشک ایرانی / مریم شاه‌حسینی

زندگی و مبارزات حاج هاشم‌امانی / مجتبی سلطانی احمدی

۸۶

۸۹

۹۲

همین ماه

چکیده انگلیسی

کوتاه از تاریخ

پیشخوان انگلیسی

پیشخوان فارسی

۹۶

۹۷

۱۰۰

چکیده انگلیسی

سازمان نظام

هخامنشی

بزدان صفائی



ارتش ایران هخامنشی

نویسنده: دانکن هد

مترجم: محمد آقامحمدی

مشخصات نشر: تهران، قنوس، ۱۳۹۱، ۱۵۰ صفحه.

کتاب «تاش ایران هخامنشی»، به قلم دانکن هد و به ترجمه‌ی محمد آقامحمدی در سال ۱۳۹۱ از سوی انتشارات قنوس به چاپ رسیده است.^۱ کتاب شامل مقدمه، زمینه‌ی تاریخی، منابع، سازمان نظامی، جامه‌های پارسی و مادی، سربازان ایرانی، سربازان بیگانه، آماده‌سازی ارتش، ارتش در جنگ، اراضی سپاه، کتابشناسی و نهایه است.

نگارفته در مقامه با اشاره به تسلط امپراتوری هخامنشی بر شرقی‌زدیک و مدیترانه‌ی خاوری، ترسیم تصویر درست از سازمان نظامی هخامنشی را ممکن می‌داند (ص ۷). در «زمینه‌ی تاریخی» می‌خوانیم که پارس‌ها پیش از اوج گیری، تحت حاکمیت مادها بوده‌اند و احتمالاً سازمان‌های اداری و نظامی ایشان، تحت تأثیر مادها بوده است (ص ۸). در ادامه، مختصراً تاریخچه‌ی امپراتوری از کوش بزرگ تا داریوش سوم و سقوط امپراتوری توسط مقدونی‌ها شرح داده شده است (ص ۱۴-۱۵).

نویسنده «منابع» تاریخ نظامی هخامنشی را ناهمگون می‌داند. تاریخ‌زنگاری اندک ایرانیان باعث آنکه به مورخان یونانی آنست. تختستین آن‌ها هروهود است که باید با اختیاط خوانده شود. آنلاینس اثر گزنه‌نون، گروانی عینی از شورش کورش کوچک و بازگشت مزدوران یونانی است. دعووور از دیگر نویسنده‌گان یونانی است. برخی بخش‌های عهد عتیق، گل‌نوشتها و رویدادنامه‌های بابلی و پایپروس‌های مصری، سنگ‌نوشتها و گل‌نوشته‌های اداری تخت‌جمشید از دیگر منابع نویسنده بوده‌اند. افزون بر این منابع نوشتاری، اثار هنری کاخ‌های شاهنشاهان و همچنین مهرهای ایرانی و سفال‌نگاری‌های یونانی برای نگارش این کتاب مورد توجه بوده‌اند (صص ۱۵-۱۶).

فصل بعدی با عنوان «سازمان نظامی»، پنج بخش دارد. در بخش یکم، با عنوان «فرماندهی»، می‌خوانیم که شاه در قاب سازمان نظامی جای داشت اما نمی‌توانست همه‌ی نبردها را رهبری کند. نبردهای کوچک محلی را شهربان‌ها (استاراب‌ها) فرماندهی می‌کردند. نبردهای مهم‌تر را اشراف بلندبایه‌ی پارسی فرماندهی می‌کردند: البته این قاعده همیشگی نبوده است. برای مثال «افرشیش ارمی»، داریوش را در سر کوب شورش‌های رساند پرچم جنگی به منزله نشان فرمانده استفاده می‌شد (صص ۱۶-۱۸).

بخش دوم این فصل، به «آموزش‌های نظامی پارس‌ها» اختصاص دارد.

۷۷) به گفته‌ی هروزت جامه‌های مادی را پارس‌ها و مادها هر دو برای جنگ به تن می‌کردند؛ عقیله‌ی که منابع هنری متعدد آن را تأیید می‌کنند (من ۳۸۲) در نگاره‌های تخت‌جمشید دو نوع کلاه همراه با جامه‌های مادی دیده می‌شود (صص ۳۸-۳۹) بالاپوش آستین‌دار را گاه با جامه‌های مادی به تن می‌کردند (من ۳۹) خود شاهان، هم در جامه‌های پارسی تصویر شده‌اند هم در جامه‌های مادی (من ۴۲) پوشیدن تباری راست، آن گونه که گزنهون می‌گوید و در موزاییک ایسوش نشان داده شده، نشان ویژه خاندان سلطنتی بود (من ۴۳) عنوان فصل بعدی، «سریازان ایرانی» است. نویسنده در بخش یکم این فصل، به «خستین پیاده نظام هخامنشی» می‌پردازد. تجهیزات مادها و پارس‌ها را هروزت توصیف کرده است. آن‌ها به جای سپرهای گرد یونانی، سپرهایی ترکه بافت دارند. نگهبانان بر جسته کاری‌های آیانات در تخت‌جمشید از روزگار داریوش اول، نیزه، کمان و سپر را نشان می‌دهند اما کسی همه‌ی این تجهیزات را با هم ندارد برجای نیزه و کمان دارند در حالی که دیگران نیزه و سپر حمل می‌کنند اما کمان ندارند (من ۴۴-۴۶) در درگاه‌های ساختمان‌های تخت‌جمشید، جتھاپی از نگهبانان در جامه‌های پارسی نقش شده‌اند، نگهبان نخست، نیزه و سپر مستطیلی بزرگ را که از نوارهای عمودی ساخته شده است، حمل می‌کند و نگهبان دوم، تنها نیزه دارد (من ۴۹).

در دوره‌ی هخامنشی از نیزه‌داران سپردار برای محافظت از کمانداران استفاده می‌شد که الیه چیز تازمی نبود، چنین یگان‌هایی در طی سده‌ها، هسته‌ی اصلی سپاهیان اشوری و بابلی راشکل می‌داد (من ۵۲). نویسنده در بیان این بخش، وضعیت جامه و سلاح سریازان غیرپارسی را تشریح کرده است (صص ۵۴-۵۵).

در بخش «خستین سواره نظام هخامنشی» می‌خوایم که سواره نظام کلامخودهایی از مفرغ چکش کاری شده با آهن داشتند. مدرکی برای تأیید این گفته‌ی گزنهون که گوشش پس از سرنگونی مادها، سواره نظام را سامان داد موجود نیست (صص ۵۸-۵۹) به گفته‌ی هروزت، سواره نظام علاوه بر کلاه‌خود، زره‌ای فلس‌دار به تن می‌کرد هرچند از همین مورخ می‌دانیم که ساگاری‌ها هیچ زرهی به تن نمی‌کردند و تنها چنگ‌افزارشان خنجر و کمند بوده است (من ۵۸).

عنوان بخش بعدی «تحولات بعدی سواره نظام» استه. پس از

در کتاب گزنهون، مورخ یونانی، می‌خوایم که پارسی‌ها به شکار جون شهوای برای آموختن جنگ می‌گرفتند. استراحت از آموختن جوانان «با نیزه و کمان و فلاخن می‌گوید (من ۱۹) «یگان‌های پاسداران» عنوان بخش بعدی این فصل است. شاه و دو یگان همراهی می‌کردند که هر یک مشتکل از یک‌هزار سوار برگزیدی پارسی بودند. دو یگان پیاده نظام نیز وجود داشتند. سپاه جاویدان دههزار تن از پیاده نظام پارسی بوده‌اند. این واحد را چنین می‌نامیدند که چون به گوشه‌ای تغیرناپذیر در همین سطح از قفتر نگاه داشته می‌شد و جای خالی افراد کشته شده‌یا میریض بالفاصله پر می‌شد. نقش شوش را عموماً از آن سپاه جاویدان می‌دانند از سپاه جاویدان پس از خشایارشا نامی برده نمی‌شود. به واسطه‌ی ایران و دیبور از برخی یگان‌های پاسدار در زمان داریوش سوم مطلع هستیم (من ۲۱-۲۲).

نویسنده در بخش «سریازان استان‌ها» از ارتشم مردمی داریوش بزرگ که در پارسی پاسداران «کاره» خوانده شده، یاد می‌کند و آن‌ها را نیروهای ذخیره‌ای می‌داند که زمینی را در ازای خدمت نظامی در دست داشته‌اند (من ۲۴).

اپراتوری از استان‌هایی تشکیل می‌شد که آن‌ها را ساترایی می‌خواندند این ساترایی‌ها نیروهای نظامی و بومی خود را گرد می‌آورده‌اند. حاکمان زیردست ممکن بود سریازان منطقه‌ی خود را فرماندهی کنند بیشتر آن‌ها یگان‌هایی از پاسداران شخصی داشتند (من ۲۴-۲۵) سریازان پادگان‌ها را معمولاً مزدوران یونانی تشکیل می‌دادند. اما این موضوع همیشگی نبوده است. گزنهون در کتاب آیاپسیس به مزدوران ازمنی، ماردی و خالدی اشاره کرده است. ارتشم ایران هخامنشی عموماً

چنملیتی تصویر شده است (صص ۳۰-۳۱).

در بخش آخر از این فصل به سازماندهی یگان‌ها پرداخته شده است. یگان‌های نظامی، تقسیمات دهتایی داشته‌اند اشاراتی مانند یگان‌های ده‌هزار نفره در مبلغ یونانی، «صتا» یا صد یگان‌ها در پانیروس ازمنی از مصر، و واژه‌ی پارسی «هزارپش» (hazarpatish) مؤید این تقسیمات دهتایی هستند (من ۲۵).

عنوان بخش بعدی، «جامه‌های پارسی و مادی» است. دونوع جامه در

پارس‌ها پیش از اوچ گیری، تحت حاکمیت مادها
بوده‌اند و احتمالاً سازمان‌های اداری و نظامی
ایشان، تحت تأثیر مادها بوده است

۷۷) به گفته‌ی هروزت جامه‌های مادی را پارس‌ها و مادها هر دو برای جنگ به تن می‌کردند؛ عقیله‌ی که منابع هنری متعدد آن را تأیید می‌کنند (من ۲۸۱) در نگاره‌های تخت‌جمشید دو نوع کلاه همراه با جامه‌های مادی دیده می‌شود (صص ۳۸-۳۹) بالاپوش آستین‌دار را گاه با جامه‌های مادی به تن می‌کردند (من ۳۹) خود شاهان، هم در جامه‌های پارسی تصویر شده‌اند هم در جامه‌های مادی (من ۴۲) پوشیدن تباری راست، آن گونه که گزنهون می‌گوید و در موزاییک ایسوش نشان داده شده، نشان ویژه خاندان سلطنتی بود (من ۴۳) عنوان فصل بعدی، «سریازان ایرانی» است. نویسنده در بخش یکم این فصل، به «خستین پیاده نظام هخامنشی» می‌پردازد. تجهیزات مادها و پارس‌ها را هروزت توصیف کرده است. آن‌ها به جای سپرهای گرد یونانی، سپرهایی ترکه بافت دارند. نگهبانان بر جسته کاری‌های آیانات در تخت‌جمشید از روزگار داریوش اول، نیزه، کمان و سپر را نشان می‌دهند اما کسی همه‌ی این تجهیزات را با هم ندارد برجای نیزه و کمان دارند در حالی که دیگران نیزه و سپر حمل می‌کنند اما کمان ندارند (من ۴۴-۴۵) در درگاه‌های ساختمان‌های تخت‌جمشید، جتھاپی از نگهبانان در جامه‌های پارسی نقش شده‌اند، نگهبان نخست، نیزه و سپر مستطیلی بزرگ را که از نوارهای عمودی ساخته شده است، حمل می‌کند و نگهبان دوم، تنها نیزه دارد (من ۴۶).

در دوره‌ی هخامنشی از نیزه‌داران سپردار برای محافظت از کمانداران استفاده می‌شد که البه چیز تازمی نبود، چنین یگان‌هایی در طی سده‌ها، هسته‌ی اصلی سپاهیان اشوری و بابلی را شکل می‌داد (من ۵۲). نویسنده در بیان این بخش، وضعیت جامه و سلاح سریازان غیرپارسی را تشریح کرده است (صص ۴۵-۴۶).

در بخش «خستین سواره نظام هخامنشی» می‌خوایم که سواره نظام کلامخودهایی از مفرغ چکش کاری شده با آهن داشتند. مدرکی برای تأیید این گفته‌ی گزنهون که گوشش پس از سرنگونی مادها، سواره نظام را سامان داد موجود نیست (صص ۵۸-۵۹) به گفته‌ی هروزت، سواره نظام علاوه بر کلاه‌خود، زره‌ای فلس‌دار به تن می‌کرد هرچند از همین مورخ می‌دانیم که ساگاری‌ها هیچ زرهی به تن نمی‌کردند و تنها جنگافزارشان خنجر و کمند بوده است (من ۵۸).

عنوان بخش بعدی «تحولات بعدی سواره نظام» استه. پس از جنگ‌های ایران و یونان، سواره نظام پارس ثوابع جدیدی از جنگافزار و تجهیزات را پیدی آورد (صص ۵۹-۶۰). تأثید شدن سواره نظام در استان‌های غربی (من ۶۰)، تجهیز برجی از سریازان با شمشیرها و

در کتاب گزنهون، مورخ یونانی، می‌خوایم که پارسی‌ها به شکار جون شهوای برای آموختن جنگ می‌گزراست. امروزه از استراحت یا اموزش جوانان با نیزه و کمان و فلاخن می‌گوید (من ۱۹) «یگان‌های پاسداران» عنوان بخش بعدی این فصل است. شاه و دو یگان همراهی می‌کردند که هر یک مشتکل از یک‌هزار سوار برگزیدی پارسی بودند. دو یگان پیاده نظام نیز وجود داشتند. سپاه جاویدان دههزار تن از پیاده نظام پارسی بوده‌اند. این واحد را چنین می‌نامیدند که چون به گوشه‌ای تغیرناپذیر در همین سطح از قدرت نگاه داشته می‌شد و جای خالی افراد کشته شده یا میریض بالفاصله پر می‌شد. نقش شوش را عموماً از آن سپاه جاویدان می‌دانند از سپاه جاویدان پس از خشایارشا نامی برده نمی‌شود. به واسطه‌ی ایران و دیبور از برجی یگان‌های پاسدار در زمان داریوش سوم مطلع هستیم (من ۲۱-۲۲).

نویسنده در بخش «سریازان استان‌ها» از ارتش مردمی داریوش بزرگ که در پارسی پاسداران «کاره» خوانده شده، یاد می‌کند و آن‌ها را نیروهای ذخیره‌ای می‌داند که زمینی را در ازای خدمت نظامی در دست داشته‌اند (من ۲۴).

اپراتوری از استان‌هایی تشکیل می‌شد که آن‌ها را ساترایی خوانده‌اند این ساترایی‌ها نیروهای نظامی و بومی خود را گرد می‌آورده‌اند. حاکمان زیردست ممکن بود سریازان منطقه‌ی خود را فرماندهی کنند بیشتر آن‌ها یگان‌هایی از پاسداران شخصی داشتند (من ۲۴-۲۵) سریازان پادگان‌ها را معمولاً مزدوران یونانی تشکیل می‌دادند. اما این موضوع همیشگی نبوده است. گزنهون در کتاب آیاپسیس به مزدوران ازمنی، ماردی و خالدی اشاره کرده است. ارتش ایران هخامنشی عموماً

چنگلمیتی تصویر شده است (صص ۳۰-۳۱).

در بخش آخر از این فصل به سازماندهی یگان‌ها پرداخته شده است. یگان‌های نظامی، تقسیمات دهتایی داشته‌اند اشاره‌ای مانند هنگیهای ده‌هزار نفره در مبلغ یونانی، «صتا» یا صد یگان‌ها در پانیروس ازمنی از مصر، و واژه‌ی پارسی «هزارپش» (hazarpatish) مؤید این تقسیمات دهتایی هستند (من ۲۵).

عنوان بخش بعدی، «جامه‌های پارسی و مادی» است. دونوع جامه در میان پارسی‌ها محبوب بود؛ یکی جامه‌ی بلند و گشاد و دیگری پیراهن آستین بلند، شلوار و کلاه که آن‌ها را به ترتیب پارسی و مادی می‌نامند (من ۲۶). جامه‌ی بلند یا به اصطلاح «لباس پارسی» را پاسداران منقوش بر کاشن‌های لمبادر شوش، شاه، نگهبانان، اشراف، مقامات رسمی و خدمتکاران در سنگنگارهای تخت‌جمشید به تن دارند (من

پارس‌ها پیش از اوچ گیری، تحت حاکمیت مادها
بوده‌اند و احتمالاً سازمان‌های اداری و نظامی
ایشان، تحت تأثیر مادها بوده است



تصویری از سربازان هخامنشی

نیزه‌های بلندتر در جنگ گوگمل (من. ۶۴)، انتخاب نیمه‌زره برای اسب‌ها (من. ۶۰) و آرچ‌بان برای سواره‌نظام سنجین اسلحه (من. ۶۳)، از جمله‌ای این تحولات بوده‌اند.

در پخش «تحولات بعدی پادشاهنظام» متوجه می‌شوند که نخستین تغیر این گونه بوده است که برخی کمانداران پارسی در هنر یونانی با سپرهای هلالی، همانند سپرهای یونانی تصویر می‌شوند (من. ۶۹)، اما پادشاهنظام نیزه‌دار بی‌جوشن با سپرهای سبک از خود نیمی‌سدهی پنجم قم در نقوش یونانی بدیدار می‌شود (من. ۷۰)، از پایان سدهی فصل، شش بخش دارد بخش یکم، مربوط به «سکاها» است که گروهی نیرومند از قبایل چادرشین بوده‌اند (من. ۳۸). پیش تر سواره‌نظام گروهی از سربازانی که «کاراداکه» نامیده می‌شوند در سده‌ی چهارم قم در سپاه دیده می‌شوند. اینان در واقع سربازان سبک‌سپر بوده‌اند (من. ۷۲).

در فصل بعدی، مؤلف به «سربازان بیگانه» می‌پردازد، چراکه چندملیتی بودن را زیبزگی‌های قبل توجه ارتش ایران می‌داند (من. ۸۳). این فصل، شش بخش دارد بخش یکم، مربوط به «سکاها» است که گروهی نیرومند از قبایل چادرشین بوده‌اند (من. ۳۸). پیش تر سواره‌نظام سکایی، کمانداران سبک‌اسلحه بوده‌اند (من. ۸۴). نمونه‌ی تیرهای سه‌پر مفرغی هنایزی که قبایل چادرشین استپ به کل می‌برند در سرتاسر امپراتوری ایران دیده شده است (من. ۸۵).

پخش بعدی این فصل، «شترها، گردنه‌ها و منجیق‌ها» نام دارد. نظر در ارتش هخامنشی برای اولین بار در زمان کورش بزرگ برای ترساندن و رمانتن اسپان سپاه لیدیه به کار رفت (من. ۷۷). گردنه‌های جنگی داس‌دار از پایان سدهی پنجم قم پخش عادی از سپاه بوده‌اند که احتمالاً

شتر در ارتش هخامنشی برای اولین بار در زمان کورش بزرگ برای ترساندن و رمانتن اسپان سپاه لیدیه به کار رفت

هخامنشیان

است. در بخش یکم، «نیروی تهاجمی خشایارشا ۴۸۰ پ.م.» بحث شده است. جدول‌های بر اساس ملیت و تجهیزات و نام فرمانده در سه ردیف پیاده‌نظام، سواره‌نظام و نیروی دریایی تهیه شده است (صفحه ۱۲۶-۱۲۵). نویسنده در خصوص ارقامی که هرودوت برای ارتش خشایارشا نقل کرده، تردیدهایی جدی مطرح کرده است (صفحه ۱۲۷-۱۲۹).

نبرد «پلاته، ۳۶۹ پ.م.» عنوان بخش بعدی است. در این بخش نیز درباره ارقام مربوط به نیروی تحت فرمان مودونبوس تردید شده (صفحه ۱۲۹-۱۳۰)، و جدول مشابه جدول بخش پیشین ارائه شده است (صفحه ۱۲۰).

«کوناکسا، ۴۰۱ پ.م.» عنوان بخش بعدی است. ابتدا آماری که گزافگوی گزارش می‌نماید ارائه شده است (صفحه ۱۲۱). اما نگاه نقادانه‌ای که در تو بخش پیشین درباره امار و ارقام وجود داشت، در این جا دیده نمی‌شود (صفحه ۱۲۱-۱۲۲).

«اتوفراطاس در کاپادوکیه، ۳۶۷ پ.م.» بخش چهارم این فصل است که مربوط به سرکوب شورش «اتام توسط اتوغراطاس» است. در این بخش نیز امار و ارقام مربوط به این جنگ ارائه شده است (صفحه ۱۲۲-۱۲۳).

بخش پنجم «حمله به مصر در ۳۵۱ پ.م.» است. این نبرد در زمان اودشیرو سوم روی داده است. نویسنده به گزارش «بودور از آن» می‌پردازد (صفحه ۱۲۲-۱۲۳).

«گرانکوس، ۳۳۴ پ.م.» نام بخش ششم این فصل و اولین بند هخامنشیان با اسکندر است. ترتیب سواره صفوی سواره‌نظام که دیسپور گزارش کرده در جدول ارائه شده است (صفحه ۱۲۴).

«ایسوس، ۳۳۳ پ.م.» هفتمین بخش فصل و دومن بند با اسکندر است. درباره شمار افراد ارتش هخامنشی در این نبرد توافقی وجود نشارد نویسنده گزارش‌های ایران و کورتیوس را بیکدیگر مقایسه کرده است (صفحه ۱۲۵).

در بخش آخر، یعنی «گوگل، ۳۳۱ پ.م.»، به ارائه فهرست پگاه‌های داریوش سوم در آخرين نبردش با اسکندر پرداخته شده است که توسط ایران، کورتیوس و دیسپور گزارش شده است. از جنایه، راست و مرکز سپاه، جداگانه فهرست‌های تهیه شده است (صفحه ۱۲۸-۱۲۵). کتاب با فهرست کاتارشنسی که به دو دستهٔ منابع باستانی و معاصر تقسیم شده (صفحه ۱۲۶-۱۲۰) و فهرست نهایه (صفحه ۱۲۳-۱۲۰) که امکان حسمت‌جویی پیش‌تر در متن را فراهم کرده، به پایان می‌رسد به عنوان سخن پایانی باید اشاره کرد که در کتاب وجود دارد و توضیحات نسبتاً مفصلی که زیر آن‌ها نوشته شده، برای خواننده این امکان را فراهم آورده است که درکی بصری از مندرجات و توصیف‌های کتاب به دست آورد. هم‌چنین هشت لوح دیگر (صفحه ۱۲۸-۱۲۳) به این منظور به کتاب افزوده شده است.

پی‌نوشت

۱. مختصات کتاب اصل چنین است:

Head, Duncan (1992). *The Achaemenid Persian Army*, Montvert Publications.

هندي‌ها بودند (صفحه ۸۷-۸۶). در نبرد گوگل پانزده فيل همراه با گروهی از سواره‌نظام هندي در ارتش ايران به کار گرفته شدند (صفحه ۸۷).

بخش بعدی، «بلبل‌ها، سريانی‌ها و اعراب» نام دارد. اشبيل، در نمايشنامه پلاسین، از کمانداران بايلی ياد می‌كند (صفحه ۱۰۴). شهرهای فنيقي و فلسطيني در ۴۸۰ قم برای خشایارشا، کشتی فراهم ساختند (صفحه ۱۰۴). سواره‌نظامی از سوریه در گوگل حاضر بوده است (صفحه ۱۰۵).

گموجهه هشتگام حمله به مصر از همکاري شاه اعراب مطمئن شد (صفحه ۱۰۷).

عربها در ۴۸۰ قم کمانداران پياده و شترسوار را برای خشایارشا

فراهمن کردند. پارس‌ها احتمالاً گروهه دیگر از اعراب، یعنی «سکا»، را

پيشرفت تخت فرمان خود داشتند (صفحه ۱۰۷-۱۰۸).

بخش بعدی اين فصل، «آفریقای شمالی» است. مصر، پيش از فتح،

داراي سواره‌نظام بود اما به نظر مي‌رسد که پارس‌ها در مصر تنها به گرداوري پياده‌نظام و کشتی پرداخته‌اند (صفحه ۱۰۸). سريانی از لين

در فهرست ارتش در سال ۴۸۰ قم بدنه می‌شوند آن‌ها پياده‌نظام

زوين‌انداز و گردونه را فراهم آورند (صفحه ۱۰۸-۱۰۹).

در بخش «مردم آثارولي» می‌خوايم که اين قسمت از اميراتوري تعداد

اندکی سواره‌نظام فراهم می‌آورد اما از پايان سمهی پنجم، سواران

پاپلاگونی در ارتش‌های پارسی به گونه‌ای چشمگير حضور یافته‌اند (صفحه ۱۰۹).

هرودوت در فهرست خود از لين‌ها با سلاح‌های یوناني ياد

من کند در یونومنان کاريکاهي در نبرد ۴۸۰ قم به شيوه‌ای یوناني مجيز

بودند (صفحه ۱۱۰). لوكاهای ها در پيش‌تر گروهی هخامنشی،

وقاچارانه با استراتاپ‌های پارسي لينده و کاريکه همکاري می‌کرند (صفحه ۱۱۴).

در آخرين بخش اين فصل، یعنی «يوناني‌ها»، با خدمات ايشان به

ارتش پارسي اشنا می‌شوند، پيسوتقنس، ساتراتاپ لينده در ۴۱۶ قم، اولين

ساتراتاپ‌های غربی، نيرويسي از مزدوران یوناني را در خدمت داشتند

بيش‌تر اين سريازان یوناني، «هولوپيت» بودند پارس‌ها، ايپيكورتس،

فرماندهی بزرگ آتش سبيکسپر، را در کوشش پرای پارس گيري مصر

به خدمت گرفتند (صفحه ۱۱۵-۱۱۶).

فصل بعدی به «امدادسازی ارتش» اختصاص داده شده است. ويزگي

شپوي جنگی هخامنشی‌ها، سازماندهی و برنامه‌ریزی عالی بود که

برای گرداوري نيروها در سرزميني چنان ناهم گون ضروري می‌نمود

(صفحه ۱۱۶). در اين فصل اسکاين نویسنده بيش از پيش به بنای یوناني

است، بنابراین ارتش هخامنشی را سمعون نظم و تماملا در هم ريخته و

ملعل از آثارهای مجلل می‌داند (صفحه ۱۱۷-۱۱۶). تا جايي که همراهان

غيرنظامي قسون، پرشمارتر از همراهان نظامي دانسته شده است (صفحه ۱۱۸).

فصل بعدی، «ارتش در جنگ» است. فرماندهان پارسي ترجيح می‌دادند

تا ميدان نبرد را ياك و مسلح گشند (صفحه ۲۰). پارس‌ها اغلب در تو

ردیف به صف می‌شندند (صفحه ۲۱)، سواره‌نظام، با وجود اهمیت خود

ظاهرانه نيرويسي کمکی پرای پياده‌نظام بود (صفحه ۲۱). هرچند در سمهی

نويسنده، فصل آخرا در هشت بخش به «آرایش سپاه» اختصاص داده

و نوشته شده است.